

# مذاکرات مجلس

صورت و شروح مجلس یکشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۱۵

فهرست مطالب

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) بیانات آقای رئیس و تقدات و الاحضرت همایون و لایحه و تشکر از آن عواطف
- ۳) خود اول لایحه تفرغ کمرکی
- ۴) توافق دستور جلسه بعد - غنم جلسه

(مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید)

صورت مجلس یکشنبه ۲۷ اردیبهشت را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند

## ۱- تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست (خبر)

صورت مجلس تصویب شد.

## ۲- بیانات آقای رئیس و تقدات و الاحضرت همایون و لایحه و تشکر از آن عواطف

رئیس - اگر آقایان اجازه بفرمایند از بکندونات خاطر خودم و آنچه از بکندونات خاطر آقایان همکاران خودم استنباط کردم در این مجلس که نماینده ملت ایران است چند کلمه عرض کنم و امری که مقرر فرمودند

ابلاغ کنم. در اجیت و الاحضرت همایونی و لایحه: بههران پایتخت ایران از ساعت اولی که تشریف آورده به و - شاه را تذکر و اسباب تشکر قرار دادند اول اینکه از همان و جاه اولی که در کرج خدمت و الاحضرت و شرف شدیم با اینکه مدت خیلی کم بود آثار بزرگوار و منات و حسن توجه نسبت به کارکنان از ایشان بطوری مشهود شد که همه را مجذوب و متذلل کرد (صحیح است) و بود از این جم در چند جلسه که شرفیابی حاصل شد و لایحه فرمودید که در هر دفعه این علاقه و این جذب و عطف و زیادت

عین مذاکرات و شروح پنجاه و هفتده جلسه از دوره دهم تقنینیه (ششمین آئین ۱۳۱۵)

دایره آید نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غایبین جلسه گذشته که بدون صورت مجلس خوانده شده:

غایبین با اجازه - آقایان: فروزی - موسی مرآت - مصطفی - دکتر سنک

غایبین بی اجازه - آقایان: حاج محمد رضا - نازی - طهرانی - وکیلی - مختار میر - هراز - دولت

در آید کسان بی اجازه - آقایان: دکتر دوم - نیکور - لطفانی - بیات - الهی - باوری

شد (صبح است) تا در جلسه دیروز که همه مشرف بودیم با آن سهیله مائیکوی و آن تئات و نوادر اونی که از پدر بزرگوار خودشان دارند بلك مثلا كرامی فرمودند در كتابت خیلی كوتاه ولی مطالب خیلی بلند و به بنده امر دادند که آقایان نمایندگان و همه ملت اطلاع مکنتم (صبح است) والا حضرت مهابادی فرمودند اگر من صحبتی در فترت کرده ام برای این بوده است که تحصیل خودم را برای خدمت و رفاهی مملکت خودم بکار ببرم و حالا من با این نیت و مملکت خودم برگزیده ام و از احساسات و علاقه که نسبت بهن از مردم مشاهده شد حقداری و قدر دانی بکنم و مخصوصاً از قضا و حقوقم که به آقایان نمایندگان و عموم ملت علاقه و ریت من در اطلاع کاندید (صبح است) این است که البته مهابادریکه اظهار علاقه و توجهات والا حضرت را ابلاغ بکنم در این موقع واقف و متفکر و ارادت و علاقه چاکری نمایندگان محترم و عموم ملت را هم بحضور ایشان تقدیم بکنم (صبح است) و من در اینجا یک چیزی را که بقیه دارم اسباب خود رفتی آقایان نمایندگان خواهد بود عرض بکنم و آن این است بکنی از اولاد بنده که در خدمت دولت در زانو مشغول است بنده بطور خیلی خصوصی بدون هیچ شایره ریب و ربالی بگفت که جدیدت و مراعات و بیعت کار والا حضرت در انتخابات خودشان و بدعا و تکلم اخلاقی و حسن معاشرت و رفتارشان در آنجا طوری بود که امام روسا و مقامین و شاکردان محرمه با ایشان علاقه مهربانی داشتند و در وقت مراجعت مهابادو اینکه نجارانی و اطباء و مشایخت غنایی شایانی پیدا آوردند و الاً همگی طوری متاثر بودند که سابقه ندانست این است عرض بکنم که در این مورد حقیقتاً باید ایران را بچورد همچو ولجود بی نظیری با این اخلاقی و مملووات و این حسن توجه تبریک آگت (صبح است) بلك مسئله دیگر که اسباب متفکر است و باید همه متفکر باشیم این است که اغلب حضرت مهابادین شاهنشاه که تنها پدر و پادشاه است

۳- شور اول لایحه تعرفه گمرک

نقاسی و الطاف عالیه خودشان را به مردم اظهار بفرمایند که اهم نظیر نداشت و خصوصاً جاری مردم تقریباً آوردند و با بلك لطف مخصوص اظهار امتنان و محبت خود را ابراز و حتی به آقای رئیس الوزراء امر فرمودند خصوصاً اظهار قدرتی و عنایت مآوکانه را به مردم برسانند. بنده عرض میکنم!

(چند خوشی میفرمایند در سر می) والا مآسودند

این است که هم ملت به پادشاه خودش علاقه داشته باشد و هم پادشاه نسبت به ملت اینطور توجه داشته باشد (صبح است)

اینهاست که پیدا شد و این معنی و محبت که ما بین تولد شد کارها را بجای بالا میسراند ولی اگر غیر از این باشد اسباب تأسف و تألم است چون این حالت در میان ما هست بنده خودم و تمام ملت را تبریک میکنم و امیدوارم که این حال معنی و علاقه از هر دو طرف هر مزید بود و انشاء الله پادشاه و زلمهد ما پانصد و زنده باشند (نمایندگان - انشاء الله) آقای دبیا قبل از دستور فرمایشی دادند!

غیر بنده در تعرفه گمرک عرض داشتم.

نقاسی - خبر که بیرون قزاقین عالیه را چه در تعرفه گمرک شور اول مطرح است. آقای دبیا

مطرح است که حضور آقای وزیر عالیه هم لازم است و چون ایشان در کمیته هستند و تقریباً مآوکانه بنده مقدمام این است اگر لایحه دیگری هست مطرح شود تا ایشان اترقی بیاورند.

نقاسی - مهابادری که فرمودند آقای وزیر عالیه مسأله مقبول این کارند در کمیته و هنوز تمام مقدمه تصور نمیکردند تا اول کار شود مجتله اگر تصویب میفرمایند چند دقیقه نقاسی داده میشود تا ایشان بیایند (جلسه برای نقاسی تعطیل و پس از آن بیست و هجده دقیقه استعجال میگردد)

مجلس شورای ملی

نظر بانکه ارار داد های گمرک ایران با کشور های خارجه سکه بر طبق قانون ۱۳ اردیبهشت ۱۳۰۷ منعقد شده بود در ۲۰ اردی بهشت سال جاری منقضی میشود و تعرفه گمرک فعلی نیز صرف نظر از نواصی فنی احتیاجات اقتصادی امروز کشور در تأمین معیشت است لذا تعرفه جدیدی از طرف دولت تنظیم و بنشیند این لایحه برای تصویب تقدیم میشود.

ماده ۱ - از واردات و صادرات طبق تعرفه ششمین حقوق گمرکی گرفته میشود.

حقوق گمرک اجناسی که مشمول هیچیک از مواد تعرفه نقد و نقدی بازنده نیست آن اجناس خواهد بود حقوق گمرکی سزای عوارض منتهله از قبیل شائسری - انبارداری - حمل سرب و غیره است.

ماده ۲ - دولت مجاز است نسبت به تمام یا بعضی از اجناس وارده از مملکت که میزان حقوق گمرکی یا عوارض دیگر یا تعریفات گمرکی آن مملکت صادرات ایران را دچار تضییعی میزند یا حقوق گمرکی متدرج در تعرفه ششمین را تسامح مقلضی نمی دهد. اضافه مزبور از طرف وزارت عالییه پیششاده و بلافاصله پس از تصویب هیئت دولت به موقع اجرا گذارده

میشود. در مواردیکه اجناس وارد از ممالک فوق‌الذکر طبق تعرفه معاف از حقوق گمرکی باشند حقوقی به‌بیزان ملتشی از طرف دولت مقرر خواهد شد.

ماده ۳ - علاوه بر معاملات های منظور در تعرفه و قوانین مخصوص و قرارداد های بین دولت و سایر دول اشیاء ذیل از حقوق گمرکی معافند.

۱ - اشیاء متعلق بانبلحضرت هایمن شاهنشاهی و دربار سلطنتی و اولاد حضرت های اربعی و همچنین اشیاء متعلق به لاین رؤساء ممالک خارجه و ملتزمین ركب در موقع ورود و خروج آن ها.

۲ - اشیاءیکه سفرای کابرو وزراء مختار و شازده دارفا و مستشاران و نواب و آنگاه های کنوری و نظامی در مقارت خانه هایاری خود وارد و صادر میکنند بشرط ماماله متقابل نسبت بانشیاء مأمورین سیاسی ایران در آن ممالک.

۳ - اشیاء مخصوص استنمال شخصی ژنرال قنصلها و قنصلها و رؤسای قنصلها و ارباب دول با رعایت ماماله متقابل.

۴ - اعلام کنوری - برفها - و اذنیه و لوازم دفتری متعلق بشاسلری ژنرال قنصلگری و قنصلگری و ویس قنصلگری ها در موقع ورود یا صدور با رعایت ماماله متقابل.

۵ - اشیاء مستعمل شخصی مسافری که با وضعیت اجناسی آنها متناسب باشد در موقع ورود و خروج.

۶ - اعلام و لوازم خانه مستعمل اتباع ایران که الا اقل در سالی در خارجه اقامت نموده و سایر ایران معاودت مینمایند و در مورد مأمورین دولت بدون قید مدت اقامت و هم چنین اقبانه و اولراد خانه مستعمل اتباع خارجه که برای اقامت دائم بایران وارد میشوند.

۷ - آلات و افزار مستعمل کار و حرفه صنعتگران و کاروانی که برای اقامت بایران وارد میشوند.

۸ - معاملات مندرج در بند ۶ - ۷ این ماده شامل اقبای ذیل میشود:

۱۵ - اجناسی و وسایط نقلیه که بطور ترانزیت یا کاپوئاز بنگاه ایران وارد و صادر میشوند در حدود نظامنامه هیئت دولت.

ماده ۴ - اجناسی که حقوق گمرکی آن از روی وزن معین شده از روی وزن خالص مال التجاره و بلاواسطه اقبالی که در حدود رسوم تجارت و نظامنامه هیئت وزراء باشد حقوق گمرکی خواهند پرداخت.

ماده ۵ - دولت مجاز است با دول خارجه قرار داد های گمرکی مخصوص که حقوق مندرج در آن از میزان تعرفه ضمیمه کمتر نباشد منعقد نماید. اعتبار قرار دادهای مزبور محدود و بیگسال خواهد بود.

ماده ۶ - دولت مجاز است حقوق گمرکی اجناسی که ورودشان در تاریخ تصویب اینقانون بموجب سیمه های اقتصادی منوع است در صورتیکه بمبدأ مجاز کردنا ۷۰۰٪ ترقی دهد.

ماده ۷ - نظامنامه اجرائی این قانون و تعرفه ضمیمه بوسیله وزارت مالیه تهیه شده و بتصویب هیئت وزراء خواهد رسید.

ماده ۸ - قانون مستثنیات گمرکی مصوب ۱ اسفند ۱۳۰۷ و قانون های مربوطه بمقتضای لوازیم دفع مایخ مصوب ۶ بهمن ۱۳۰۸ و ۹ شهریور ۱۳۰۹ ملغی است.

حقوق گمرکی تا اول خرداد ماه طبق تعرفه های معمول قبل از بیستم اردی بهشت ماه ۱۳۱۵ محسوب و از اول خرداد ماه ۱۳۱۵ این قانون بمقتضای اجرا گذارده میشود.

فهرست - مذاکره در کابین است آقای دبیا دبیا - اولاً آقای مؤید احمدی که لایحه را قرائت فرمودند تعرفه را قرائت فرمودند بنده تصدیق دارم که این اقلام زیاد است وقت هم تنگ است ولی در خارج به آقای وزیر مالیه عرض کردم که در ذیل این اقلام یک تبصره

هالی است. تبصره در کلیه لوازم قانونی حکم مواد قانونی

را دارد همانطور که مواد قانون باید از تصویب مجلس بگذرد تبصره را هم باید عیناً مجلس تصویب کند بنده در اینجا که مختصری مطالعه کردم تا صفحه ۵۸ و ۶۴ تبصره ششم که این تبصره ها چنانکه عرض کردم حکم مواد قانون را دارد و باید بطور تفصیلی از تصویب مجلس بگذرد این عقیده بنده است حالا خوب است توضیحی بدهند شاید رفع اشکال بشود و البته اگر این تبصره ها قرائت و تصویب نشود ممکن است بعداً اسباب اشکال بشود. این یک توضیح بود که خواستم آقای وزیر مالیه بدهند توضیح دیگری که ایشان باید در مجلس بدهند این است که تعرفه سابقاً از روی میزان قیمت بود مگر در دو مورد نومان قیمت ده بیست یا بیست و پنج تومان بدهد ولی این تعرفه غالباً از روی وزن است که هر کیلوئی مثلاً ده ریال بیست ریال بدهد این را خواستم توضیح بدهند که آیا در این باب ملاحظات عقبه شده که حالا بکلی رژیم را تغییر داده اند یا خیر؟ و این سبب نمیشود که زحمانی تولید کند و آنچه که مقصود دولت است تعیین میشود این را توضیح بدهند که دولت از چه جهت عدول کرده است از ترتیب قیمت بترتیب وزن. یکی هم توضیح بدهند که که در تعرفه سابق حقوق گمرکی بحساب پول ملاک گرفته میشد. مثلاً در هر صد ریال شصت ریال هم اضافه خواهد شد و باز همان پول ملا خواهد گرفت یا پول مصطلح خردمان که ریال است یک مطلب دیگر که میخواستم تذکر کرده شود این است البته از زیاد تا کم تعرفه گمرکی در هر صد ریالی است و برای از زیاد عادلان دولت است و مورد اعتراض نیست ولی یک چیزی بنظر من می آید این است لایند گمرک هر چیزی که علاوه شد لایند تبدیل به مصرف کننده میشود آنوقت همانقدر که گمرک علاوه شد مصرف کننده کم میشود و در عرض زیاد شدن عادلان گمرک کم میشود مثلاً پارچه ای را که سابقاً ده ریال گرفته میشد حالا اگر سی ریال بگیرند لایند مشتری آن کم میشود و بالاخره ممکن است عادلان آن زیاد که نشود هیچ کم بشود چنانکه در

مسئله فتنه و شکر خود آقای وزیر مالیه کاملاً ملاحظه فرمودند  
 يك وقت واردات فتنه و شکر تقریباً سی میلیون من بود بالاخره  
 رسیده به ۱۶ میلیون چغتن این بود که عوارض گمرکی آن  
 زیاد بود قاناق زیاد میشد و مصرف هم کم میشد و خود آقای  
 وزیر مالیه ملاحظت نمودند و مسأله را هم بطرف جنوب کردند  
 و برگزیدند عوارض فتنه و شکر کم کردند و خودشان تصدیق  
 دارند از آن روزی که عوارض فتنه و شکر کم شده عواید دولت  
 زیاد شده و بالاخره عواید بررور زیاد میشود و مسئله فتنه  
 و شکر بر میگردد بحالت اولیه این مطالب را چون در ضمن  
 کلیات بورد عرض کردم و میخواستن چون دولت البته بهتر  
 ملاحظه کردند آنرا توضیح بدهند. و یکی هم در افلاک نظر بانی  
 داشته بنده عقیده ام این است چیزهایی را که حقیقتاً طرف  
 احتیاج عموم است زیاد کردنش خوب نیست. و در انومویل  
 سواری بنده عرض نمودم اینچنان نوشته تا ده هزار ریل حقوق  
 گمرکی دارد ولی انومویل های باری و کامیون ها که محل احتیاج  
 عموم است و برای حمل و نقل نهایت احتیاج را بآن دارم آنجا  
 گمرک را زیاد کردیم بقیه بنده خوب نیست مثلاً در انومویل  
 باری از ۲۶۰۰ ریل تا ۳۴۰۰ ریل نوشته شده در  
 انومویل ها و کامیون این یک قلم از افلاک است که  
 خیلی ترفی داده شده نسبت بشرفه سابق و یکی دیگر قلم  
 ساعت است که ترفی کرده و همه آقایان میدانند که مسئله  
 ساعت یکی از چیزهایی است که از لوازم مورد احتیاج هر  
 کسی است هر کسی را از غنی و فقیر که ملاحظه فرمائید یک  
 ساعت دارد ساعت طلای مچی و چینی در اینجا نوشته در  
 یکی ۲۱۰ ریل و در یکی تقریباً ۱۱۰ ریل حقوق همین  
 شده است يك ساعت طلای که فرض فرمائید سی نومان  
 قیمتش است دولت نیست و يك نومان از آن حقوق گمرکی  
 میگرد و خیلی زیاد است مثلاً در ساعت های نقره اینجا ۳۵۰ ریل  
 نوشته ساعت نقره معمولی آن از سه الی چهار نومان است از این  
 دولت ۳۵ ریل حقوق گمرکی بگیرد خیلی زیاد است

که در اینجا نوشته شده اگر بنا شود تمام آت مطرح  
 شود چیز اینک وقت تلف شود فایده دیگری ندارد.  
**طباطبائی شیا -** بصره ها منظور بود.  
**وزیر مالیه -** حالا مرصیه به بصره ها. بصره فرخ است  
 ماده اصل اگر آقا قبول میکنند که اصل افلاک را در اینجا  
 نتوانیم چطور میفرمایند بصره بر این افلاک باید خوانده  
 شود. و اگر هم خوانده شود چیزی از آنها استنباط نمیشود  
 الا آنکه برای آقا یکی دو تا از این بصره ها را برای مثال  
 میخواهم تا با بینند همطور که افلاک خوانده نشده بصره  
 آن هم نباید خوانده شود. بصره: اشیاء متفرجه نعت  
 نمرات چهار هشت تا ده دوازده هفده بیست و سه و  
 بیست و چهار و بیست و هفت این قسمت حقوق همین را؛  
 الف - در صورتیکه از چوب های قیمتی ساخته شده  
 باشد بملاوه صد در صد

ب - منقش یا رنگ شده یا لاک زده باشد بملاوه  
 پنجاه در صد الی آخر اینطور باید بپردازند بنده اینجا  
 میخواهم از آقا سؤال کنم که اگر نمره را تصدیق  
 کردید این قسمت شامل که در بصره نوشته شده است باید  
 تصدیق کنید و وقتی تصدیق کردید که نمره ها خوانده  
 نشود بصره ها چرا باید خوانده شود؟ این مال این  
 عرض میکنم راجع به شوالی که فرمودند در باب اینکه  
 بصره از روی وزن نوشته شده البته این خیلی سؤال  
 صحیحی است که در نمره سابق یعنی نمره که الان هم  
 جاری است اغلب اجناس و اشیاء از روی قیمت بود و در  
 اینجا بیشتر اجناس از روی وزن یا عدد همین شد فرمودند  
 که خوب این مطالعه شده و بعد طوری نشود که بدتر شود  
 بنده نگران ایشانرا هست متوجه نیستم که از چیست  
 ولی حالا اصلاً این را چرا ما اتخاذ کردیم عرض میکنم  
 این فریب در اغلب عکک هست قابل بحث هم میشود و  
 در کتبی که از نگاه نظر علمی در این موضوع بحث میکند  
 مذاکره شده که آیا بهتر این است که نمره از روی قیمت  
 باشد یا از روی وزن باشد و علیه این دو عقیده هم بسیار

است بنده یکی دو بابش را اینجا ذکر میکنم و بعد عرض  
 میکنم که بچه علت ما آمده ام خصوصاً این قسمت را  
 قبول کرده ام میگویند نمره اگر از روی قیمت باشد  
 حتی که برای آن ذکر میکنند این است که وقتی جنس  
 قیمتش بالا میرود و گران میشود شما چون نمره را ثابت  
 بقیمت همین کرده اید عایدات شما زیاد میشود و اگر  
 بنا باشد که يك مصالح اقتصادی را هم در نظر داشته باشید  
 که جلوی بیسی اجناس تجمل را بخواهید بگیرد این را  
 با قیمت خیلی خوب میخوانیم جلوی گمرکی نمره چون اجناسیکه  
 گران قیمت است و تجملی است آنوقت نمره را نمی توان زیاد  
 میشود در صورتیکه در نمره که از روی وزن باشد این  
 مسئله اشکال دارد در مقابل جوانی که هست این است  
 که از روی قیمت تا این اندازه که ما خیال میکنیم در عمل  
 نمره همین کردن و تخصیص دادن و قیمت کردن کار  
 مشکلی است اجناس مختلف است و متصل کمکتش است  
 بین مأموری که باید تقویم کنند و آن کسی که آن جنس  
 را از گمرک خارج کند برای اینکه میخواهم تقویم کنند  
 میباید يك قیمت را بگیرد و میگوید يك مبلغ من و اطلاع  
 من و روی این قواعد و ضوابطها قیمت این جنس صد نومان  
 است طرف که باید بپردازد میگوید غیر آقا این قیمت  
 بیست فاکتور در میاورد از برای شما صکه پنجاه  
 نومان است یا صد ریل است در صورتیکه يك  
 سند چنین محکمی دارد دیگر چه حرفی دارید خوب سند  
 او را فاکتور او را از او بگیرد و روی آن تفسیح  
 بدهد و ازش گمرک بگیرد ولی وقتی که وارد زندگانی  
 عمل بشویم میبینیم که کتر کار خانه ایست در دنیا که  
 شما که ازش جنس میخرید بگوید ای برای گمرک ملک  
 خودم این جنس را شما بمن فاکتور بدهید و در آنجا  
 جنسی که از شما خریدم باین قیمت بخرید برای اینکه  
 گمرکند من هم خریدم هزار ریل میدوید یا فاکتور بخرید  
 او هم میدوید و مال خواهد نوشت و او را بشما بدهد  
 ضرری نخواهد برد از این کار این يك اشکالی است که پیش

میآید و خیلی تشخیص مشکل است ولی اگر از روی وزن شد که مثلا قیمت از روی من فلان قدر بپردازد این وزن است گفتگوی اینکه مالوم خوب تشخیص داده باشد نداد نیست آنوقت میگورند اگر بنا باشد اینطور بپردازد قیمت اقسام مختلف دارد هم رقم هست شما از همه رقم یک قیمت میگورید این صحیح است ولی این را هم رعایت میکنند مثل اینکه ما هم رعایت کردیم برای اینکه یک قدری نزدیک شود همان قیمت حقیقی و در صرفه معین کردیم فرضا پارچه که مثلا صد مترش فلان قدر وزن داشته باشد آنقدر باید بدهد پارچه که آنقدر بیلا وزن داشته باشد اینقدر بدهد از فرار وزن که حتی الامکان آن تفاوت قیمت هم ملاحظه شود و کار وصول هم سهل باشد البته پارچه های بازاری که کران قیمت است مثلا وال نسبت به آن پارچه های کلفت نمیشود که هر دو را یکی وزن بگیرد اگر اینک هر دو وزن آن شش ریل و آن بیکی دو ریل یکی کمتر است و یکی بیشتر بود و اینجا رعایت شده است و ما میگوییم بواسطه تقسیم بندی های که از جهت نوع شده است حتی الامکان کاری میکنیم که یک قدری رعایت قیمت هم شده باشد ولی معهودا از لحاظ سهولت اصل وصول و کثر کدکشی ایجاد کردن بین کمرک و مؤدی بهترین ترتیب این است که برود روی اصل وزن شما این را هم باید کفایت فرض کنیم شما میگوید یک جنسی را نعرفه از برایش همین میگویند میگویند مثلا از این جنسی منی دوست ربال بگیرم چون وقتی دوست ربال باشد کم وارد دولت میشود و من باید زیاد از این جنسی وارد کنم آخر نظر است در کمرک گرفتن یکی برای عایدات است یکی از برای حفظ صنایع داخلی اگر بنا باشد از روی قیمت شد بعضی ممالک وسیله دارند خیلی ساده است و انواع مختلف ممکن است جنسی را که از برای خوردن صد ربال تمام شده است و واقعا هفتاد و نبالری شما بفرستد اما آنوقت اگر نعرفه از روی قیمت باشد نسبتاً پیدا چلو گری کند بواسطه نعرفه مثال معینم در

واقع بود ولی که کرد آقا که بایستی که اینجا نوشته ایم فلاحت در ربال این بیلان طلا است با نعرفه موالی است عرض میکنم ربال نعرفه معمولی در کبسون هم قرار گذاشتیم که اسلادر لاجبه روشن نویسیم که محترم دیدند راجع به بنجین مطالبی که آقا فرمودند (چون نعرفه نکر گذاشتیم) که اگر تا کسی زیاد شد مصرف کم میشود بنده موافق و فقط در مواردی زیاد کرده ایم که خواستیم مصرف زیاد نشود در مواردی که احتیاج بوده است یعنی یک اجناسی که هیچ ضرورتی من برایش نندیم که وارد شود و در خارج هم عرض کرده ام که این نعرفه را شما مقایسه بکنید با نعرفه ممالک دیگر یکی از نعرفه های بسیار سبکی است که هست حالا چرا ما اینکار را کردیم در صورتی که ممکن بود که تصور کرد که ما تا بحال یک تمهیداتی داشتیم ولی حالا که آزاد شدیم چون یک نعرفه های سبکی را با ما تحویل کرده بودند ولی حالا که نعرفه ما تمام شده است البته میتوانیم یکی نعرفه های خیلی زیاد نری وضع کنیم اما همین نظرهای که گفتند که زیاد کران شود اجناس و مصرف کنند در زحمت نباشد از این لحاظ آمدم در نعرفه ملاحظت کرده ام ممکن است در بعضی اقلاب به نظر بعضی زیاد روی شده است. می بینم یکی از آقایان که به بنده اشاره میکنند و نظشان به رادبو است که رادبو چرا زیادتر است (اورنگ - رادبو) که با کسی است) خوب. یک عده هستند که رادبو برایشان ضروری است و یکس برای یک عده دیگر هیچ ضرورت ندارد بنده آمدم بالاخره یک حد معینی را برایش در نظر گرفتم که نه انتظار باشد که آذی اورنگ میگویند که عقیده دارند است و نه آطلوری باشد که آقای لقیوای خیال میکنند زیاد است. معهودا گفتیم اگر در چند قلم یک تکانی نظرشان زیاد شد مثل اینکه بعضی از آقایان در کبسون گفتند و ما هم موافقت کردیم ممکن است است آقایانی که نظری دارند تشریف بیاورند در کبسون در آنجا صحبت بفرماد که میکنیم ممکن است یک قدری این بدیم. ولی ما خودمان خیلی مطالعه کردیم. تمام حساب ها شده آن چیزی که گفته میشود تناوش با سابق فرق العاده کم است نمیخواهیم

باشد برای اینکه وقت که حق ویزیت اورا کم کنیم صحت عمومی بهتر تأمین شده و در امام طبقات دیگر مؤثر است تا جایی که اگر بتوانیم مالالتجاره، مملکت خوب وزیاد شود هیچکس نیاید چیزی بدهد آفتوق تمام مخارج مملکت را کی خواهد داد ؟ مخارج صحبه و معارف وغیره چه میشود ایس آقا وقتیکه ببخواهد يك فرمایانی بکند با استملالی بنامالبدایع اسمان کفرش بجهت تخلفی که هست در نظر بگیرد . ممکن است اینجانب کفرش یک وقت که حرانری پیدا کرده و جولان میدهد اگر بی فکر اقدام کند بیفتد در یک ورطه . پس انسان خوب است به جمع نکت توجه کند البته به عقیده بنده هم باید مسئله حل و نقل را حل کرد و بطور اجمال بگویم ( شاید آقایان هم اطلاع داشته باشند ) که وزارت مالیه افساسی کرده و اگر يك میلیون هم خرج داشته باشد میگذرد برای اینکه سرورسورت اساسی پیدا کند و این عبادت را هم بجای خودش میگیرد . زیرا هرکدامبجای خودش باید بشود . حالا بر میگردیم بکفته کینه . یکی از آقایان گفت کینه که خبیل لازم است و نباید چیزی بدهد کینه کینه کینه لازم تر است یا غذا اول آدم باید غذا داشته باشد تا بتواند زندگی کند زیرا در زندانی ممکن است سالاربا بگردد و آفتوق محتاج بکفته کینه است و الا آدم مرده که مالاربا نمیکرد . ما از اینجایا از اجناس ارزانی و خوراکی قند و سبزی و سایر چیزها که همه جا هم دارالت میگردند مالیت نمیگیریم ما گاهی جنبه احساسات را می گذاریم وارد استملالمان بشود يك مرتبه بواسطه هیکل زرد مغفولک لاشرف بد بخت مالاربابی که پیش چشم مایه اوراق بیدمان میروند که خوبی خرجهای لازم داریم . خوب دولتی که یکی از اشخاص میگوید فکر کنید چقدر خرج میکند از برای اشخاص بی بضاعت . همین امسال در بودجه صحبه ملاحظه کنید اگر ( در بودجه سابق اگر اشتباه نکنم ششصد یا هشتصد هزار ریال نوشته بود ، در ولی امسال دو میلیون نوشته اند . امسال دو میلیون ریال گذاشته ایم سال آینده بیست و پنج خواهیم داد . آنکار بجای خودش باید بشود اما من و آقا هم اگر گرفتار شدیم و

**مؤید احمدی**

چیزی عثمانان همرد آن را عرض میکنم این ترفه ککه معین شده بقیده بنده ازتهزین ترفه هاست . وضع کمرک صرفاً از نقطه نظر عیادت که بیست نظریات دیگری هم دولت دارد که باید آنها هم انجام شود ازقبیل حفظ صنایع داخلی و مصنوعانی که درعلاکت زیاد میشود که از خارج وارد نشود . این نظریات را که بنده ملاحظه کردم دیدم کاملاً در این لایحه رعایت شده فقط دو نکته مختصر بوده که بنظر من رسید و لازم میدانم تذکر بدهم . یکی کرد و رمزگرد بود که مسامری نوشته شده بود و حال آنکه خوبی بام فرق دارد و همینطور بادام و مغز بادام که مسامری معین شده در صورتیکه فرق را در این قسمت بنظر بنده اصلاحی لازم دارد یکی دیگر هم ساعت که بنظر بنده بقیه بخش خبیل کرمان آمد . چون ساعت برای احتیاج مردم است و اگر چیزی بود که در داخله ممکن بود تهیه شود هر چه زیاد میگرد بنده موافق بودم ولی این چیز چیزی است که محل احتیاج عموم است از این جهت باید در تا کس کمرک تخفیفی داده شود . یکی دیگر را این جهت است به بقیده بنده چون عیادتاً در هدات معمول شده و وارد کم کم در مملکت شایع میشود و برای زراعت هم نافع است و اراضی را خوب شخم میکند بنده عقیده ام این است که در کمرک آن خوبست تخفیفی داده شود که مردم بتوانند بسوولت وارد کرده و زراعت خودشان را بآن انجام دهند . اما درباب چیز های لوکس بنده هم با آقای اورنگ موافقت که هر چه بالا ببریم خوب است . ( اورنگ - مملکتی که من درش هستم رادیر نمی خواهد ) رادیر را اگر کسی نتشود بیهالی بر نمیخورد . ولی از آنطرف چیز هایی که عمل احتیاج عمومی است و در داخله هم اندریم به عقیده بنده از کمرکس کم کنیم خوب است یکی دیگر از چیز هایی که بنده دیدم در قسمت صادرات ملاحظه شده ( چون بنده الان لایحه را دیدم ) متقدم یک ملاحظه ثانوی هم باید بشود . چون صادرات يك چیزی

است که باید خبیلی توجه بشود که لطمه بآن وارد نیاید و بعضی از اقلام چیز های است که در بازار های دنیا خریدار دارد مثل پوست و غیره - و این ها بنظر بنده خبیلی کران است و در صورتی خوب است در نظر بگیرد که تخفیف بدهد بطوری که صادرات لطمه وارد نیاید .

**فرزیر مالیه** - بنده امروز در کمیسیون دیدم که در غیاب بنده از طرف وزارت مالیه نماینده هائس بودند در کمیسیون و همین اصلاح را کرده اند یعنی ترفه و تا کس مغز کرد و را زیاد تر از کرد و مغز پسته را زیاد تر از پسته کرده اند . کفتم به آقایان با احترام رأی که داده اند بنده اسراری ندارم ولی از نمایندگان کسی که از طرف وزارت مالیه بودند بپاستی بهرسم که چرا قبول کردند برای اینکه ظاهر آبد نامی است برای آن ترفه درست کردن چون اسلام منع است فقط ارباناط اینکه اشیا باید نوشته شود ، بنویسد مغز کرد و کرد . همان ترفه که سابق بود همچنان حال گذاشته اند . املا ممنوع است و نباید . مصلحت نبود که يك بن شاهی هم اضافه شود برای اینکه بگویند وزارت مالیه از اینجا هم يك فائده میرود . زیرا اصلا ممنوع است این مثل این است که از برای ما عباداتی پیدا کرده باشند و این خوب نیست در هر صورت این کار را کرده اند خیال آقا راحت باشد .

راجع بساعت که بنده جواب ندادم ( چون آقای دبیا هم همین سؤال را کرده بودند ) برای این بود که در کمیسیون هم مذاکره شده بود فردا هم چله بود دوم است مذاکره میشود حالا بنده خواهم چیزی عرض کرده باشد که تکلیفتش معلوم نباشد میگذارم برای شور دوم فردا . راجع بقیمت تراکتور بنده با اساس فکر آقا موافق هستم ( اعتبار - معاف است ) و معاف است . ما کلیه ماشین های لافلاخ را معاف کرده ایم و این هم داخل آن است .

راجح صادرات آقای مؤید احمدی فرمودند صادرات را خوب است رعایت کنیم و طوری نشود سکته بآن وارد

آید. خوب باز رفتیم روی همان صحبت ها. اولاً عرض میکنم تهرقه که الان بیپناهان شده است با اینکه که تاج محل عمل شده و مقصود فرقی ندارد چر اینکه در يك قسمتها از سواحل که سابقاً معاف بوده حالا هم معاف است و آنهايي هم که چیزی میدادند. همان را که میدادند حالا هم میدهند و اگر لازم باشد يك جنسی كلك كنند: ميكنم جايزه هم بايستي بدهيم ميبهيم آن بجای خودش محفوظ است و اينها هم عرض ميكنم چند قام است و اين چند قام هم تا بجهل ميدهاد است جز اينكه مقاربي را ما كسر كرده ايم و بعضي اقدام را هم از بين برديم و بقيه را همان مقارن كه بود كذارديم و اگر بكنند از آنهايان در اين جا اطلاع دارد كه ما يك ديوار اضافه كرديم بقرمبايت.

**جمعی از نمایندگان** - مذاکره است.

**رئیس** - رأی گرفته میشود بکلیات مذاکرات بعضی از نمایندگان - مخالفي نیست.

**رئیس** - آئی دکتر طاهری اجازه خواسته اند **دکتر طاهری** - بنده در ماده اول صحبت میکنم **رئیس** - رأی گرفته می شود بمرور در شور مواد آقایان که موافقت بقیام فرمایند (کلیتاً برخاستند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود: **اده اول** - از واردات و صادرات طبق تعرفه ششمیه حقوق کمرکی گرفته میشود.

حقوق کمرکی اجناسی که مشمول هیچیک از مواد تعرفه

ندوند صدی پانزده قیمت آن اجناس خواهد بود حقوق کمرکی

سرای عوارض مختلفه از قبیل شاسلری - ابارداری - حملی

سرب و غیره است.

**رئیس** - آئی دکتر طاهری

**دکتر طاهری** - ما باید خیلی خوشوقت باشیم که این

اولین مرتبه است که دولت لایحه تعرفه کمرکی را بکمال آزادی

و بدون هیچ نهد و قیدی تنظیم کرده است و بمجلس آورد

اند زیرا که قبل از این بکلی آزاد بوده و هیچ بکره که باید

است که دارد و میفرماید باید رعایت شود اما در رقم ۸۱۵ اجناس ساخته شده از طلا میفرماید این را چرا آمده اند کمرک زیاد برایش مین کرده اند و باید معاف کنند بنده با آقای موافق نیستم طلا بیشتر از وقت و همین جهت هم معاف کردم اما ساخته شده است قبلاً کار بسیار ظریف است و برای يك طبقه است که بتوانند بشیرند چسرا مالیات ندهند. شما صكه العمد. در

وسطه این را در باید خودتالی هم که تحصیل کرده اید زبان هم میدانید چرا مقایسه نکنید تهرقه ها را ببینید دیگران چقدر میدهند شما چه میدهد آقا وقتی حرف میزدید در من بیشتر تأثیر میکند تا بکنفر آدمی که اصلاً وارد این مراحل نباشد چون تحصیلات شما بشما اجازه میدهد که نگاه کنید و مقایسه کنید. اگر يك مملکتی بخواهد ترقی کند یعنی دولت فارق باشد برای آن بخارجی که لازم است باید مردم هم بیرون آید بخارج و این یکی و ببلاره فراموش نکنید مگر عرض کردم دولت از این دست میگردد و از این دست میدهد هر روز ما میگیریم و هر روز پول را منتشر میکنیم قرضش کشیدید روزی آن بخارجی که دولت میکند. بنده این را فکر کنید چند صد هزار نفر عمه که در راهها کار میکنند. در ساختمانهای دولتی کار میکنند و زندگی میکنند چه وضعیتی پیدا میکنند پس باید تمام هم شما این باشد که صندوق دولت ملو باشد تا سعی کنند چیب شما هم پول درش پیدا شود. راجع بآبپول همان عرض که راجع بکنه کس کردم عرض میکنم وعین همان چیزی است که هست و شما که بجواب حاضر شدنته که باین بیاروند اما این دلیل نبود بنده آنجاهانی که بايستي بدهم بجای میدهم مرتبانه هم باز میکنم اما آنجاهانی که باید بگیرم میگیرم. راجع بنهمم بودجه و سؤالی که فرمودید مختصر انتباهی فرمودید در آنجا دولت حق گرفته بود بوج قانون که هر وقت بخواهد انوربیل را ورودش را متعصر به خودش بکند و حق میگیرد اما دولت متعوزان بود انگر درون چیزهایی که میفرماید راجع است باعداد وارداتی همان

و وساطت غلبه بیک ماده سال قبل گذشت و امسال هم الباقی شد که ورود اینها اختصاص بدولت دارد و در مقابل چوارش صدی بیست اسعار میدهند حالا باز هم این تعرفه ها گرفته میشود با میدهند؟ اگر گرفته میشود توضیح بدهند که معلوم شود.

**ولیر هالیه** - نهانی که آقا تصور کردند زیاد است مثل امره ۶ که گفتند چیز مفیدی است خوب کار است و لابد برای احتیاج میآید و خوب است معافش کنیم عجله ورود کار متنوع است ما هم دست زدیم تهرقه را و همان حالی که بود گذاشتیم ولی باز بنده بايستي به آقا عرض کنم که این اصل تنها کافی نیست که بگوئیم مفید است زیرا همه چیزها ما مفید است مگر واقعاً چیزی ممکن است مفید باشد بعضی چیزها هست که نسبت به بعضی دیگر کمر فایده دارد والا چاره مفید نیست حقیقه را در بود مفید نیست آئی اوزنک هم که گفتند میدان این را بطور جدی میخواهند مسلم است مفید است و جزو زندگانی امروز است و باید هم زیاد شود ولی گفتیم واقعاً اشخاصی که او را دارند معمولاً دارای قوه و قدرت هستند که خوب است كلك کنند بملکت کار برایش پانزده ریل مالیات همین شده و این چیز فوق العاده نیست اگر بنده بکس کاری را از خارج بیاروند والان باید ربال چهار صد ربال قیمتش است آنوقت پانزده ربال چیزی نیست که مانع شود ولی البته چیزی مفیدی است مثل چیزهای مفید مثل قند مثل پارچه نوغان هم همینطور است فرمودند باید نعم نوغان را كلك کرد البته بنده قبول دارم و این همه كلك ها را که دولت باید بکند از این دست میگردد و از آن دست میدهد مالیات را میگیرد و اگر بنده كلك هم بجمهور دیگر میکند. نفت و بنزین را میفرماید چون در داخله هست خوب است آن قسمتی صكه از خارج می آید آن را کران کنیم ما کمرکس را دست زدیم برای اینکه يك قسمت از مملکت است که اگر شما آن نفت را کرات کنید از قسمت دیگر باید بآنجای برساند و کرایه زیاد است آنوقت برای مصرف کنندند اگر نفع میشود و همان قسمتی

دلار هائی که بود آنها هم حاشیای طوری شد است که اول خرداد تمام میشود و روز اول خرداد تعویضه بود اینکه وارد میشود او اسلا ازین میرود همین حال را خواهد داشت و همین تا کسی را میبردند و آن راجع باسماهی بود که میبایست بخرد و تمام شد.

رئیس - ماده دوم قرائت میشود:

ماده ۲ - دولت مجاز است نسبت بشماره یا بعضی از اجناس وارده از ممالک که میزان حقوق کمرکی یا عوارض دیگر با تفریقات کمرکی آن ممالک صادرات ایران را دچار تشبیهاتی نمیشاید حقوق کمرکی مندرج در تعرفه شصتیمه را تا حد مقتضی ترفی دهد - اضافه مزبور از طرف وزارت ممالیه پیشنهاد و بلافاصله پس از تصویب هیئت دولت بوضع اجرا گذارده میشود. در مواردی که اجناس وارده از ممالک فوق الذکر طبق تعرفه معاف از حقوق کمرکی باشند حقوقی بجز آن مقتضی از طرف دولت مقرر نخواهد شد.

رئیس - ماده سوم:

ماده سوم - علاوه بر معاينات های منظور در تعرفه و قوانین مخصوص و فواراد های بین دولت و سایر دول اشیا ذیل از حقوق کمرکی معاف اند:

۱ - اشیا منقلى با علم حضرت همایون شاهنشاهی و دربار سلطنتی و والا حضرت همایونی و همچنین اشیا منقلى با سلطانین و رؤساء ممالک خارجه و ملتزین ركب در موقع ورود و خروج آنها.

۲ - اشیاى که سفرای کبار و وزراء و مختار و شازدها و مستشاران و سواب و آتشه های کدوری و نظامی در سفارت خانه ها برای خود وارده و صادر میکنند بشرط معامله متقابل نسبت باشیا مامورین سیاسى ایران در آن ممالک.

۳ - اشیا مخصوص استعمال شخصی ژنرال قنصلها و قنصلها و ویس قنصلهای دارای کاپیتان که در مدت مدت ۹ ماه اول اقامتشان وارد شود با رعایت

ولر و مالیه - ادوات زراعتشان معاف است.

رئیس - ماده چهارم:

ماده ۴ - اجناسی که حقوق کمرکی آن از روی وزن معین شده وزن خلص مال انحصار به علاوه تلفاتهای که در حدود رسوم تجارت و نظامنامه هیئت و زراء باشد حقوق کمرکی خواهد پرداخت.

رئیس - ماده پنجم:

ماده ۵ - دولت مجاز است بادل خارجه فرار دادهای کمرکی مخصوصی که حقوق مندرج در آن از میزان تعرفه شصتیمه کمتر باشد معاف نماید. اعتبار قرار داد های مزبور محدود یکسال خواهد بود.

رئیس - ماده ششم:

ماده ۶ - دولت مجاز است حقوق کمرکی اجناسی که ورودشان در تاریخ تصویب این قانون بموجب سهمیههای اقتصادی ممنوع است در صورتیکه بعد از مجاز کردن آن ۱۰٪ ترفی دهد.

رئیس ماده هفتم:

ماده ۷ - نظامنامه اجرائی این قانون و تعرفه شصتیمه بوسیله وزارت ممالیه تهیه شده و بتصویب هیئت و زراء خواهد رسید.

رئیس - ماده هشتم:

ماده ۸ - قانون مستثنیات کمرکی مصوب ۱ اسفند ۱۳۰۷ و قانونهای مربوط به معافیت لوازم دفع ملخ مصوب ۶ بهمن ۱۳۰۸ و ۴ شهریور ۱۳۰۹ ملغی است. حقوق کمرکی تار اول خرداد مال طبق تعرفههای معمول قبل از تصویب اردیبهشت ماه ۱۳۱۵ محسوب و از اول خرداد ماه ۱۳۱۵ این قانون بوضع اجرا گذارده میشود.

معتبر (انتخاب) - در قسمت تعرفه اصلاحی در کمیسیون شده که در يك ورقه علیحدہ تقديم شده که آقایان ملاحظه فرموده اند بعد از آن دو فقره اصلاح شده که اینجا بنده عرض میکنم آقایان اصلاح بفرمایند يك فقره راجع به عمل و پارچه های ابریشمی طبعی است که ۱۶۰

۱۱ - وسائل نقلیه حامل مسافرین غلظم بخارجه که مجدداً بایران وارد میشوند همچنین وسائل نقلیه حامل مسافرین که بایران وارد و مجدداً خارج میشوند مشروط باینکه وجه تضمین کافی سپرده شده باشد و مهلت از ۱۲ ماه تجاوز نکند.

لگو متبوعا و کالسه های راه آهن و وسائل نقلیه هوائی که بترتیب منظم دائمی در خطوط بین ایران و خارجه کار می میکنند و همچنین مقدار سوغاتی که جهت راه لازر باشد.

۱۲ - قطعات ناهو هائیکه در سواحل ایران غرق و یا بخرک نشسته اند و همچنین اسباب و لوازم ناهو های ایرانی که در سواحل خارجه غرق گردیده و باینکه نشسته و نایکالی پس از وقوع تصدیه بایران حمل میشوند.

۱۳ - فقره های وارده برای دولت بشکل شش - قرض - خاک

۱۴ - نمونه چای بی قیمت در حدود نظامنامه مصوب هیئت وزراء.

۱۵ - اجناس و وسائل نقلیه که بطور غیر متبوعا یا کاپووز بخاک ایران وارد و صادر میشوند در حدود نظامنامه مصوب هیئت دولت.

رئیس - آقای دیا:

طباطبائی دیا - بنده نسبت بقسمت ۶ این ماده که مینویسد اشیا و لوازم خانه مستعمل اتباع ایران که لااقل دوسال خارجه اند و اقامت نموده و بایران معاودت نمیشاوند و معاف شده اند و همینطور در قسمت ۷ که اسباب و ادوات مستعمل کار کران باشد بنده عقیده ام این است که این قسمت را که موافقت کرده اند منسوخ است نسبت بزراعتی هم که مدتها در خارجه بوده اند و در میگردند اینها غالباً با وسایل زراعت در میگردند آنها هم اگر معاف شوند بهتر است. يك زراعتی ما داریم مدتها در خارجه بوده اند حالا میخواهند بیایند در ایران و زراعت کنند اینها که میبایند آلات و ادوات زراعتشان معاف باشد. بهتر است.



۲۹۰ مندرجه در تعرفه گمرکی بشرح ذیل اصلاح شود  
لیه عمانی خشک ۶ ریال  
رئیس - بکه - بون رجوع میشود. آقابانکه با شور  
دوم موافقت دارند قیام فرمایند (اغلب برخاستند)  
تصویب شد.

[ ۴. موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه ]  
رئیس - اگر تصویب فرمایند جلسه را ختم کنیم  
(سحب است) جلسه آینده پنجشنبه ۳۱ اردیبهشت  
ماه سه ساعت قبل از ظهر دستور تواجیح موجوده  
(مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد)  
رئیس مجلس شورای ملی - حسن (سندباری

ریال برای هر کیلو نوشته شده بود و این را از لحاظ  
اینکه مخدلهای طبیعی را تشویق کرده باشیم به ۵۰ ریال  
پایین آورده ایم و صد و ده ریال کسر شده. يك قسمت  
دیگر در نمرات ۷۱۲ و ۷۱۳ و ۷۱۴ و ۷۱۵ و ۷۱۶  
در خصوص کتب بالنسبه خارجه و کتب فارسی بطور  
کلی کتب با جلد متوائی و بی جلد معاف است و سایر  
مجلدات که روی اصول لوکسی باشد سی شاهی برایش فرار  
دادیم. این قسمت هم اصلاح میشود.

رئیس - پیشنهادی از آقای معدل رسیده است.  
پیشنهاد میکنم اکس ورود لیهوی عمانی تحت نمره